

در باره سندیکاسازی دولتی و رویکردی نادرست به آن - ۱

تاریخچه دو سندیکای کارگران شرکت واحد و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در یک دهه و نیم اخیر گواه تاریخی دیگری برای بی حقوقی مطلق طبقه کارگر در نظام سرمایه داری ایران است. این تاریخ نشان میدهد اگر چه مبارزات درخشان این دو سندیکا تاکنون برای مطالبات اولیه شغلی و معیشتی بوده است اما همین سطح از مبارزات بی وقفه زیر فشار خرد کننده و تحت سرکوب حاکمیت طبقاتی قرار داشته تا جایی که امروز عملاً این دو سندیکا به آرام و مهر و نامی شرافتمندانه و تاریخ مبارزاتی پر افتخار و به فعالیت محدود فعالین متعهد به منافع طبقه کارگر و وفادار به استقلال تشکل این طبقه محدود شده اند. در این تجربه بار دیگر همان سوال و پاسخ همیشگی جنبش کارگری ایران برجسته می شود. اینکه چرا بورژوازی ایران در دوره سلطنت و جمهوری اسلامی هیچگاه هیچ درجه ای از مبارزات مستقل و متکی به آگاهی طبقاتی در بین کارگران را تحمل نکرده است، و پاسخ نیز همان است که این بورژوازی از وقوع مبارزات کارگری خارج از حیطه نفوذ و کنترل اش و مستقل و متکی به خودآگاهی کارگران هراس دارد. برای جمهوری اسلامی بویژه نفس استقلال مبارزات کارگری خاریست کور کننده در چشم رژیم و بمبی است که اگر مهار و خنثی نشود انفجار آن می تواند دودمان اش را برباد دهد. و این حقایق ما را به جدید ترین ترفند ارتجاع حاکم علیه دو سندیکای کارگری واحد و هفت تپه که علی رغم همه محدودیت های موجود حامل و مظهر این استقلال در جنبش کارگری هستند می رساند.

در ماههای اخیر شاهد دو تحرک ضدکارگری در بین کارگران شرکت های واحد و نیشکر هفت تپه هستیم. تحرکی که در فضای بین تلاش های مزدوران شوراهای اسلامی و عوامل مدیریت برای کنترل و خنثی سازی مبارزات کارگری از یکسو، و محدودیت ها و تنگناهای وارده بر این دو سندیکا از سوی دیگر، به میدان آمده است. عناصر شاخص این تحرک ضدکارگری سابقه سندیکایی خود را به نقابی برای پنهان نمودن تعلق امروزی شان به صف مزدوران شوراهای اسلامی و عوامل مدیریت بدل نموده و با ادعاهای دروغین و رذیله به ایجاد سردرگمی و چند دستگی و بدبینی در بین کارگران مشغولند و در رکاب سیاست سرکوبگری رژیم عیله تشکلات مستقل کارگری تضعیف این دو سندیکا و حذف آنها را هدف گرفته اند.

ابتدا اینطور به نظر می آمد این تحرکات ضد کارگری آنقدر افشا شده و بی آبرو هستند که نیازی به برخورد بیشتر نباشد، بویژه اینکه برخی از فعالین و محافل چپ و کارگری مطالب خوبی در افشا آنها طرح کردند. اما تحولات هفته های اخیر نشان می دهند که هنوز لازم است در افشا و طرد این تحرکات گفت و نوشت. و این وظیفه یادداشت حاضر است با این تفاوت که به مورد هفت تپه بعداً خواهیم پرداخت و اینجا تنها به سندیکاسازی دولتی در شرکت واحد می پردازیم.

در رابطه با سندیکای شرکت واحد مساله از سفر هیات نمایندگی آن شامل رضا شهابی و داود رضوی و حضورشان در کنفرانس سالانه و بین المللی سازمان جهانی کار در ماه مه امسال شروع شد. (۱) این سفر یک دستاورد مهم تاریخی برای جنبش مستقل کارگری ایران بود. در این سفر نه تنها از طرف هیات نمایندگی با سازمانهای بزرگ کارگری نشست های رسمی برگزار شد، بلکه برای اولین بار یک هیات نمایندگی واقعی کارگری از یک تشکل مستقل کارگری به مثابه صدای مستقل و دادخواهی طبقه کارگر ایران در کنفرانس سازمان جهانی کار حضور یافت و چند دهه حضور انحصاری تشکلات ضد کارگری و دست ساز رژیم در این کنفرانس را درهم شکست. سفر این هیات بین المللی و حضورش در مجامع بزرگ آنچنان مهم بود و مهم شد که رژیم نه توانست مانع سفرشان شود و نه توانست پس از بازگشت آسیبی به ایشان برساند.

با این وجود اما برای فعالین کارگری مبرهن بود که شکستن آن حضور انحصاری بی پاسخ نخواهد ماند و قطعا از طرف رژیم تلاشی برای تخریب این دستاورد انجام خواهد شد. دیری نپایید که انتشار نامه اعتراضی به «کلکتیو سندیکاهای کارگری فرانسه» یعنی دعوت کننده هیات نمایندگی سندیکای واحد این تلاش تخریبی را به نمایش گذاشت. (۲) این نامه که حامل ردپای درشت شیوه های وزارت اطلاعات و سبک و سیاق های کیهان شریعتمداری است به دعوت کنندگان اعتراض دارد چرا به جای ایشان که «نمایندگان خدوم و واقعی کارگران» اند از آن «اشخاص مجهول الهویه» یعنی رضا شهابی و داود رضوی دعوت نموده اند، چرا از رضا شهابی که «برابر استنادات منتشر شده در اخبار رسمی دستگیری و زندان نامبرده به هیچ عنوان در راستای فعالیت کارگری نبوده» دعوت شده است، یا اینکه مطابق ماده ۳۱ اساسنامه به دلیل عدم برگزاری مجمع عمومی «عملا شرایط انحلال محقق شده» و سندیکایی وجود ندارد که نماینده ای داشته باشد. اگر چه امضای «شورای سندیکای مستقل کارگران شرکت واحد» پای نامه مذکور ابتدا سوالات کدام شور؟ و کدام سندیکا؟ را برانگیخت اما خیلی زود معلوم شد که سعید ترابی از اعضای سابق و نه چندان خوش نام سندیکا جلودار ماجراست.

پس از انتشار این نامه شاهد پیدایش کانالی در تلگرام به نام «سندیکای کارگران شرکت واحد» و با آرمی متفاوت از کانال رسمی سندیکا هستیم. این کانال در اولین متن ابراز وجودی اش (۳) مختصر و صریح اعلام می دارد «در راستای شکستن کاسه تکدی گری گروهی کارگر نما و برای بستن دکان گروهی متقلب» یعنی همین اعضای هیات مدیره و فعالین کنونی سندیکا مانند رضا شهابی ها و داود رضوی ها و حسن سعیدی ها و....، «فعالیت های صادقانه خود را در راه دفاع از حقوق کارگران آغاز می کنیم». به این ترتیب اینان جنگ شان علیه سندیکا را با تخریب اعتبار و شخصیت مبارزین متعهد و از خودگذشته ای آغاز نمودند که بازجویی ها و شکنجه گاه های خونین رژیم ارتجاعی نتوانست بر آن خدشه ای وارد کند. معلوم شد که رویکرد بی اعتبار سازی و شخصیت شکنی مبارزین امتحان پس داده خصلت نمای این تحركات ضد کارگری است.

پس از مدتی کانال تلگرامی فوق با امضای «هیئت برگزاری مجمع عمومی» اعلام داشت که می خواهد با دور زدن هیات مدیره سندیکا مجمع عمومی برگزار کند. این حرکت که مسیر خود را صرفا با تخریب اعتبار و شخصیت فعالین واقعی و صدیق سندیکا هموار می کند در هیچ جای سنت های مبارزه کارگری قرار نداشته و حرکتی یکسره کودتاگرانه و متکی به روش های ضدکارگری ارتجاع اسلامی سرمایه و خانه کارگر اش است. استدلال شان برای این حرکت ارتجاعی که در نامه اعتراضی به کلکتیو سندیکاهای فرانسه و دیگر مکتوباتشان موجود است تاییدی بر این ماهیت ضد کارگری و ارتجاعی می باشد. می گویند: اولاً از آنجا که طبق ماده (۲-۳۱) اساسنامه «گذشت شش ماه از پایان مدت اعتبار هیات مدیره و عدم تجدید انتخاب آن» به معنای انحلال سندیکاست، و از آنجا که هیات مدیره برای ۲ سال انتخاب می شود و چون پس اولین مجمع عمومی در سال ۱۳۸۴ تاکنون مجمع عمومی و انتخابات دیگری برگزار نشده لذا تقریباً از ۱۰ سال پیش تاکنون سندیکا منحل شده است و آنچه امروز به آن سندیکا گفته می شود چیزی غیر از «دکان گروهی متقلب» نیست. دوم اینکه از آنجا که طبق «ماده ۵» شاغل بودن در شرکت واحد شرط عضویت در سندیکاست و از آنجا که اعضا هیات مدیره کنونی هر یک به نوعی در شرکت واحد شاغل نیستند مزید بر علت شده و کلاً مشروعیتی برای سندیکا باقی نمانده است.

اینها در حالیکه همه فعالین مستقل و دلسوزان راستین جنبش کارگری بسادگی می دانند که عدم برگزاری چندین ساله مجمع عمومی دوم سندیکا پس از مجمع عمومی اول آن در سال ۱۳۸۴ صرفاً به دلیل فشارهای سنگین سیاسی و سرکوبگرانه رژیم و محدودیت های تحمیل شده به سندیکا و تضعیف امکاناتش برای فعالیت در بین توده های کارگر بوده است. همه ما می دانند تنها

مشکل عدم برگزاری تاکنونی مجمع عمومی سندیکا تامین امنیت برگزاری آنست که بسادگی سرکوب و برچیده نشود. و باز همه می دانند که راه های قابل تصور برای برگزاری چنین مجمعی چیزی جز اینها اینست که یا باید با اخذ مجوز از وزارت کار امنیت آنرا تامین نمود، یا با بسیج هزاران نفره توده های رانندگان و کارکنان یکبار دیگر همچون میدان حسن آباد در سال ۸۴ برگزاری مجمع را عملاً به رژیم تبدیل نمود، یا با سازمان دادن «کمپین برگزاری مجمع امن و مستقل» در داخل و در سطح بین المللی فشاری قوی را به رژیم به این منظور متمرکز نمود، و یا حرکتی با ترکیبی از این سه، که بهر حال برای همه اینها محدودیت های جدی ای در برابر سندیکاست قرار دارد. محدودیت هایی که اساساً از طرف یک رژیم سرکوبگر اعمال شده است. کسی که صادفانه و دلسوزانه خواستار برگزاری مجمع عمومی است باید و موظف است پیش از هر چیز همین محدودیت ها را به بحث بگذارد و راهکار عملی نشان دهد. ممکن است در بین فعالین مستقل کارگری ارزیابی های متفاوتی از این محدودیت ها وجود داشته باشد، که بحث در باره شان خیلی هم سازنده خواهد بود، اما نکته اینست که مساله مقابل ما تماماً یک مساله بسیار جدی سیاسی است و نه عدم خواست و تمایل هیات مدیره برای برگزاری مجمع عمومی. از قضا هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد برای همه راهکارهای موثر و عملی برگزاری مجمع مستقل و امن خیلی باز و پذیرا به نظر می آید. در همین رابطه قابل توجه است که هیات مدیره برای اخذ مجوز نیز در سال اوایل سال ۹۴ کتبا به وزارت کار درخواست داده و تاکید هم نموده که در صورت بی پاسخ ماندن درخواست اش راساً به برگزاری مجمع اقدام خواهد نمود. (۴-). بنابراین در وجود اراده مصمم و خواست صریح هیات مدیره و فعالین کنونی سندیکا برای برگزاری مجمع تردیدی نیست، مشکل در شرایط و امکانات عملی و عملاً برگزار نمودن مجمع است.

بنابراین سوال اساسی اینست که این به اصطلاح «هیات برگزاری» چگونه از تامین امنیت مجمع کذایی اش اطمینان حاصل نموده که می خواهد آنرا برگزار کند؟ آیا از توان و امکان عملی بسیج توده ای رانندگان و کارکنان برای تحمیل عملی برگزاری مجمع به رژیم برخوردار هستند و به اینطریق می خواهد مجمع برگزار کند، و اگر آری، اینکه خیلی خوب است، در اینصورت چرا این «توان و امکان عملی» در اختیار سندیکا قرار داده نشده تا همه با هم مجمع را برگزار کنند؟ آیا این امتناع صرفاً به این دلیل که اینها خود را «خدمت کارگران» می دانند و سندیکایی ها را «مجهولویه» رخ داده است؟ یا اینکه خیر «هیات برگزاری» بنحوی اطمینان حاصل نموده که وزارت کار به ایشان مجوز رسمی یا غیر رسمی برگزاری امن مجمع را خواهد داد. اگر چنین اطمینان خاطری در میان نیست و از طرف وزارت کار چراغ سبز دریافت نکرده اند، آنگاه «هیات برگزاری» باید توضیح دهد در حالی که می داند درخواست مجوز سندیکا در وزارت کار سه سال است بی پاسخ مانده چرا عدم برگزاری مجمع را به چماقی علیه سندیکا بدل نموده است؟ یا اینکه برعکس «هیات برگزاری» از بابت کسب مجوز رسمی یا غیر رسمی وزارت کار برای مجمع اش مطمئن شده است، در اینصورت باید توضیح دهند که چرا وزارت کار «هیات برگزاری» و مجمع اش را به سندیکا و مجمع آن ترجیح می دهد؟ همه احوال و سکنات «هیات برگزاری» حکایت از وجود چنین اطمینانی دارد.

پس از اعلام برگزاری مجمع توسط «هیات برگزاری»، سندیکای کارگران شرکت واحد طی اطلاعیه ای از این برنامه به عنوان «پروژه سندیکا سازی دولتی در تقابل با سندیکای کارگران شرکت واحد» (۵) نام برد که توسط نهادهای امنیتی و وزارت کار و مدیریت شرکت واحد و همکاری دو عضو سابق سندیکا، یعنی سعید ترابیان و حسن میرزایی، براه افتاده است. اطلاعیه سندیکا ماهیت واقعی «هیات برگزاری» را برملا نمود و آشکار گشت که این تماماً یک پروژه سندیکا سازی دولتی و پرورش یافته در دامان امنیتی هاست. حقیقتی که صحت آن نه فقط به این دلیل که توسط فعالین سندیکایی آبدیده در کوران بیش از یک دهه مبارزه شرافتمندانه و فداکارانه بیان می شود، که این خود به تنهایی کافیسست بپذیریم «هیات برگزاری» یک جریان تا مغر استخوان فاسد و عامل ارتجاع اسلامی حاکم در ایران بر عیله طبقه کارگر است، بلکه همچنین به این دلیل که نگاهی گذرا به کانال تلگرامی شورای

اسلامی کار در شرکت واحد همبستری آقایان سعید ترابیان و حسن میرزایی با شورای اسلامی را به طرز مشمنز کننده ای به نمایش می گذارد و کاملاً نشان می دهد که کانال تلگرامی شورای اسلامی کار ابرازی در خدمت ایشان برای تخریب سندیکای واحد و بستر ساز حرکت ضد کارگری «هیات برگزاری» است. (۶)

بنابراین با اطلاعیه افشاگرانه سندیکا تکلیف «هیات برگزاری» یکسره شد و روانه ذباله دان تاریخ گشت. لذا افشای بیشتر آن حداقل برای این نگارنده دیگر لزومی نداشت ضمن اینکه فعالین دیگری نیز بدرستی و بحق مطالب خوبی در افشای آن منتشر نمودند. اما در هفته گذشته اوضاع در این رابطه عوض شد. شخصی به نام شهرام که خود را «کارگر شاغل و کاندیدای عضویت برای هیات مدیره» در مجمع کذایی «هیات برگزاری» معرفی می کند طی پستی که توسط سعید ترابیان در تلگرام درج شد چهار سوال با هدف مشروعیت زایی برای حرکت رو به زوال «هیات برگزاری» از «آقایان مصطفی شوکت و محمود صالحی و علیرضا ثقفی» طرح می کند و به اینترنتیب ماجرا وارد فاز دیگری شد. (۷) پایین تر به این سوالات می پردازیم، اما اینجا لازم به توضیح است که این فاز مربوط به طرح آن سوالات از مصطفی شوکت و علیرضا ثقفی نیست. مصطفی شوکت را نمی شناسم و علیرضا ثقفی نیز به دلیل خاستگاه طبقاتی و ادراک سیاسی و روش های فعالیت اش اساساً فعال کارگری نیست. اگر چه سایت کانون مدافعان حقوق کارگر مطالب تحقیقی و ترجمه ای خوبی دارد اما علیرضا ثقفی به عنوان مسئول آن حداکثر حامی جنبش کارگری بحساب می آید. بهرحال معلوم نیست نقش ایشان در این وسط چیست؟

این تنها با به میان آمدن نام محمود صالحی است که ماجرای «هیات برگزاری» وارد فاز دیگری شد. محمود صالحی، این رفیق عزیز و گرامی، از فعالین خوشنام جنبش کارگری ایران است که همه زندگی اش در خدمت دفاع از منافع طبقه کارگر بوده است. به دلیل همین زندگی سرشار از مبارزه طبقاتی است که نظر او در باره مسایل جنبش کارگری بحق مهم می باشد. از اینروست که اگر این نظرات بدرستی ارایه شوند تأثیر پیشبرنده بر جنبش دارند، و اگر درست ارایه نشوند تأثیر منفی خواهند داشت. لذا ضروری است که فعالین کارگری نظرات یکدیگر را رفیقانه و دلسوزانه با حساسیت مورد توجه قرار دهند تا بتوانند در صورت نیاز برای اصلاح نظرات شان به هم یاری رسانند.

رفیق محمود خیلی زود پس از دریافت آن سوالات پاسخ هایش را منتشر نمود. (۸) برخلاف اینکه انتظار می رفت ایشان در نكوهش این حرکت نظر دهد اما چنین نشد و پاسخ اش حاوی خطایی مهم در یک تشخیص سیاسی بود. رفیق بهروز فراهانی طی کامنتی موجز در فیسبوک اساس این خطا را بدرستی توضیح داد که رفیق محمود با آن موافق نبود و به اینترنتیب بحث بیشتر در این باره ضروری شد. نوشته حاضر از اینجا به بعد به بررسی انتقادی این خطای سیاسی اختصاص دارد با امید اینکه بتواند به تجدید نظر در آن یاری رساند. این بررسی به ترتیب از سه جنبه حقوقی و سیاسی و امنیتی صورت می گیرد.

جنبه حقوقی مساله

یکی از نقاط قوت رویکرد رفیق محمود صالحی به مسایل کارگری تأکید درست وی به نقش اساسنامه در تشکل کارگری و تأکید بر تعهد و پابندی به اساسنامه و بویژه به نقش و جایگاه مجمع عمومی به مثابه بالاترین ارگان تصمیم گیری و حق اعضا برای برگزاری مجمع عمومی است. دقیقاً به دلیل همین تأکیدات درست نگاه توجه همه جانبه و عدم برداشت های دلخواهانه و یکجانبه و بی تناقض به اساسنامه جز لاینفک تعهد ما به آن است. در پاسخ های رفیق محمود به آن سوالات این توجه ضروری کم رنگ است و لاجرم از آنها نتایج یکجانبه و دلخواه سوال کننده حاصل شده است. سوالات و پاسخ ها را یک به یک با اتکا به اساسنامه سندیکای کارگران شرکت واحد به لحاظ حقوقی بررسی می کنیم:

سوال اول : «اینکه نظرات خود را در رابطه با مجمع عمومی سندیکا اعلام فرمایید؟»

این سوال در باره مجمع عمومی بطور کلی و تعریف عمومی آن نیست، بلکه در باره مجمع عمومی خاصی است که بالاتر توضیح دادیم «هیأت برگزاری» می خواهد با دور زدن هیأت مدیره منتخب مجمع عمومی اول برگزار کند. سوال کننده می خواهد مشروعیتی برای این حرکت فراهم سازد. توجیه اینها نیز اینست که مدت دو ساله اعتبار هیأت مدیره پس از مجمع اول در سال ۸۴ حدودا در سال ۸۶ به پایان رسید، و از آنجا که طبق ماده ۳۱ اساسنامه از شش ماه پس از آن هیچ مجمعی برگزار نشده لذا «اعلام شرایط انحلال» سندیکا «محقق شده». آیا اساسنامه چنین برداشتی را برای اعلام انحلال سندیکا مجاز می شمارد؟ به نظر من خیر مجاز نمی شمارد. پاسخ رفیق محمود اما مثبت است.

پاسخ رفیق محمود: «مجمع عمومی بالاترین رکن یک تشکل است و اگر مجمع عمومی در زمان معین و تعیین شده برگزار نشود. یعنی تشکلی وجود ندارد. طبق ماده ۳۱ بند ۲ اساسنامه شرکت واحد تهران و حومه (در صورت گذشت ۶ ماه از پایان مدت اعتبار هیئت مدیره و عدم تجدید انتخابات آن از سوی هیئت مدیره و بازرسان و یک سوم اعضاء با حضور و ارائه امضاء حق دارند برای دعوت به مجمع عمومی جهت تجدید انتخابات با رعایت مهلت های مقرر در اساسنامه برای دعوت و تشکیل مجمع عمومی طبق اساسنامه اقدام کنند.) در غیر اینصورت تشکل منحل است.»

در این پاسخ دو مورد نقض اساسنامه یکی در باره «انحلال» سندیکا و دیگری در باره «ماده ۳۱ بند ۲» رخ داده است. رفیق محمود با برداشت خاص خود از اساسنامه و با بیان اینکه «یعنی تشکیلاتی وجود ندارد» و «در غیر اینصورت تشکل منحل است» مانند «هیأت برگزاری» که می گوید «انحلال محقق شده است» عملا انحلال سندیکا را اعلام می دارد. این در حالیست که انحلال سندیکا یک امر حقوقیست و نمی توان با برداشت های شخصی یا گروهی از مفاد اساسنامه آنرا استنتاج نمود و اعلام داشت. از اینروست که طبق اساسنامه و «ماده ۱۱ بند ۱۳» انحلال سندیکا از وظایف مجمع عمومی سندیکاست و به رای اعضا نیازمند است. افراد می توانند برداشت های و تفاسیر خود از انحلال و شرایط آنرا داشته باشند اما هیچیک از اینها نمی توانند جانشین انحلال عملا رخ داده با رای اعضا و در مجمع عمومی سندیکا شوند. بنابراین تازمانی که انحلال سندیکا طبق «ماده ۱۱ بند ۱۳» در یک مجمع عمومی رسمی و همچنین طبق بند «۱-۳۱» با داشتن «حداقل دو سوم آرای اعضای سندیکا» رخ نداده است سندیکای کارگران شرکت واحد محکم و استوار بر جای خود ایستاده است. لذا هنگامیکه «هیأت برگزاری» اعلام می دارد «انحلال محقق شده است» باید به ایشان گفت که خیر محقق نشده است و این حکم شما تشکیلات شکنانه و ضد سندیکایی است. به سوال کننده هم باید گفت که شما سندیکا دارید و بروید مشکلات را با سندیکا طرح کنید، و از این جا به قسمت دوم پاسخ رفیق محمود در باره «ماده ۳۱ بند ۲» می رسیم.

استناد به «ماده ۳۱ بند ۲» در پاسخ رفیق محمود برای مستدل نمودن انحلال سندیکاست در صورتیکه از این ماده و بند مربوطه به هیچوجه چنین چیزی استنتاج نمی شود. «ماده ۳۱ بند ۲» تنها می گوید «در صورت گذشت ۶ ماه با رعایت مهلت های مقرر در این اساسنامه برای دعوت و تشکیل مجمع عمومی طبق اساسنامه اقدام نمایند». این یعنی اینکه در صورت مواجه شدن با واقعیت «گذشت ۶ ماه از پایان مدت اعتبار هیئت مدیره و عدم تجدید انتخابات آن از سوی هیئت مدیره» و قطعی بودن صحت این موارد «بازرسان و یک سوم اعضاء» می توانند طبق اساسنامه فراخوان مجموع عمومی بدهند. و این اصلی بسیار درست و دمکراتیک است. اما به معنای فرض داشتن انحلال سندیکا نیست، بلکه برعکس به معنای برسمیت شناسی سندیکا و هیأت مدیره جاری اش و تلاشی قانونی برای برگزاری مجمع عمومی آن طبق اساسنامه و برگزاری انتخابات است. فرق این دو یعنی اینکه

فراخواندن مجمع با فرض انحلال سندیکا که از طرف «هیات برگزاری» دنبال می شود، با فراخواندن مجمع متکی بر رسمیت شناسی سندیکا از زمین تا آسمان است. اولی با منحل خواندن سندیکا دست خود را باز می گذارد تا به ضوابط اساسنامه ای برای برگزاری مجمع واقعی نگذارد و فعال مایشا عمل کند، اما دومی قانونمند و مسئولانه طبق اساسنامه عمل می کند.

بنابراین در سندیکایی که موجود است و هیات مدیره اش اداره امور را بدست دارد برای برگزاری مجمع عمومی مطابق اساسنامه موارد زیر باید رعایت شوند و در صورت عدم رعایت این موارد مشروعیت اساسنامه ای تقاضای برگزاری مجمع ملغی می شود:

۱- متقاضیان مجمع که در اینجا «بازرسان و یک سوم اعضا» اند باید شرط مندرج در «ماده ۳۱ بند ۲»، یعنی شرط «در صورت گذشت ۶ ماه از پایان مدت اعتبار هیئت مدیره و عدم تجدید انتخابات آن از سوی هیئت مدیره» که برگزاری مجمع را موجه می سازد را بطور مستدل و مستند نشان دهند که رخ داده است. برای این منظور توجه به معنای واقعی این بند ضروری است چرا می تواند بسادگی مورد سو استفاده مخرب قرار گیرد. اینجا اولاً قید با گذشت «۶ ماه از پایان مدت اعتبار هیئت مدیره» به قید «عدم تجدید انتخابات آن از سوی هیئت مدیره» متصل و متکی و مشروط شده است. دوماً «عدم تجدید انتخابات آن از سوی هیئت مدیره» به عدم خواست و تمایل و اراده هیات مدیره دلالت دارد. بنابراین ضروری است که عدم خواست و فقدان اراده هیات مدیره برای تجدید انتخابات را نشان داد. چرا که کاملاً ممکن است عدم برگزاری مجمع و تجدید انتخابات تماماً برخلاف خواست و اراده هیات مدیره رخ داده باشد. همیشه می توان وقوع شرایط طبیعی و اجتماعی و سیاسی غیر قابل پیش بینی و غیر قابل کنترل را انتظار داشت. در اینچنین شرایطی عدم برگزاری مجمع عمومی به عدم خواست هیات مدیره مربوط نیست و خارج از حیطه کنترل و اراده آن رخ می دهد. در این حالت، یعنی با وجود خواست و اراده هیات مدیره، و وجود موانع غیرقابل کنترل بیرونی، می توان حوصله کرد و بسیار بیشتر از ۶ ماه صبر داشت و در شرایط مناسب مجمع را برگزار نمود.

بنابراین متقاضیان برگزاری مجمع با استناد به «ماده ۳۱ بند ۲» موظفند نشان دهند که هیات مدیره کنونی نخواستہ و نمی خواهد مجمع را برگزار کند و لذا خود هیات مدیره به مانعی در برابر آن بدل شده است. این مسله از اینرو نیز مهم است که عدم برگزاری مجمع بمدت ده سال، محرومیت و ستم بزرگیست که در حق کارگران شرکت واحد روا شده و باید روشن شود چرا اینطور شد؟ چرا این محرومیت در حق آنان رخ داد؟ چرا این ستم روا شد؟ مسئول کیست؟ ستمگر کجاست؟ توضیح متقاضیان مجمع برای این سوالات کدام است؟

تاکنون هیچ توضیحی از طرف «هیات برگزاری» در مورد این سوالهای حیاتی داده نشده است. آنها صرفاً با پرتاب نمودن حجمی از افترا و حتاکی (که بعداً به آنها اشاره خواهد شد) علیه هیات مدیره و فعالین سندیکا تنها، آنها بصورت اتهامی که تا زمانی که ثابت نشده بی اعتبار است، عنوان می کنند «هیات مدیره مجمع را برگزار نکرد» و دلایل و چرایی آنرا توضیح نمی دهند. اما مهمتر از همه اینکه عامدانه می کوشند با پخش اکاذیب و مسموم نمودن هر بیشتر فضا یک حقیقت بسیار مهم را پنهان سازند. و آن حقیقت اینست که هیات مدیره سندیکا طی اطلاعیه ای به تاریخ «۹ مرداد ۹۷» تصمیم خود برای برگزاری مجمع را رسماً و علناً اعلام داشته است. در آن اطلاعیه قید شده است که در ۹ خرداد ۹۴، یعنی سه سال پیش، درخواست مجوز برای برگزاری مجمع از طرف هیات مدیره به شماره ۴۱۱۱۷ در وزارت کار ثبت گردیده است.

قابل توجه است که می توان این بحث مشروع را داشت که چرا اصلاً باید درخواست مجوز نمود و سه سال معطل پاسخ وزارت کار ماند، اما این بحثی سیاسی و بسیار مهم و به جای خود خیلی هم مفید است. اما در بحث حقوقی حاضر در باره «ماده ۳۱ بند

۲» و مساله خواست برگزاری مجمع از طرف هیات مدیره روشن تر از آفتاب است که حداقل برای سه سال است که خواست هیات مدیره برای برگزاری مجمع جاری و فعال می باشد.

بنابراین با توجه به همه این توضیحات، و بی پاسخی متقاضیان مجمع در باره اینکه چرا فکر می کنند هیات مدیره نمی خواهد مجمع را برگزار کند، و با توجه به پنهان نمودن خواست حداقل سه ساله هیات مدیره برای برگزاری مجمع، استناد متقاضیان به «ماده ۳۱ بند ۲» بی پایه و اساس و فاقد توجیه اساسنامه ای است.

۲- بهر حال «بازرسان و یک سوم اعضا» همیشه از این حق دمکراتیک برخوردارند که به دلایل زیادی خواستار برگزاری مجمع عمومی شوند. اما از آنجا که سندیکای کارگران شرکت واحد منحل نشده و بر جای خود قرار دارد و هیات مدیره اش هم (جدا از توجه به مشکلات عملی که فهمی عمومی است) بطور اصولی مشکلی با برگزاری مجمع ندارد و خواهان آن است، لذا متقاضیان مجمع می باید مطابق «ماده ۲۳ بند ۹» که می گوید «دعوت به مجامع عمومی طبق مقررات اساسنامه» از «وظایف و اختیارات هیات مدیره» است، و نیز مطابق «ماده ۱۰ تبصره ۲» درخواست خود برای برگزاری مجمع را بصورت «تقاضای کتبی» به هیات مدیره کنونی سندیکا ارایه نمایند. این راه درست اساسنامه ای برگزاری مجمع در خارج از روال رویتن و دوره ای آنست. به این ترتیب است که از هر گونه حاشیه سازی مخرب و جنجالهای مخرب تر پرهیز می شود. «تقاضای کتبی» متقاضیان آن سند معتبری است که در صورت بی پاسخ ماندن آن و یا پاسخ ناموجه هیات مدیره (که این نیز می باید مکتوب باشد) اختلاف و جدل احتمالی را سر جای درستش قرار می دهد و می توان هیات مدیره را مورد نقد سازنده قرار داد.

یکی از موارد مهم تخلف اساسنامه ای «هیات برگزاری» تخطی آشکار از همین اصل است که آنها درخواست شان برای برگزاری مجمع را با هیات مدیره طرح نکردند. آنها بر اساس میل شان و تصمیمات سیاسی از پیش برای چسباندن «انحلال محقق است» بر سندیکا و «مجهولیه» نامیدن هیات مدیره یکباره بطور علنی فراخوان مجمع عمومی دادند. رفیق محمود صالحی نسبت به این نقض آشکار اساسنامه سکوت کرد و با برگزاری مجمع اینان موافقت نمود. در حالی که پیش از هر چیز می باید از سوال کننده نامه درخواست کتبی شان از هیات مدیره و پاسخ متقابل هیات مدیره را جویا شد و اگر چنین نامه هایی در کار نبودند آنگاه درست این بود که از سوال کننده خواست بروند ابتدا تقاضایشان را کتبا به هیات مدیره ارایه دهند.

۳- از آنجا که طبق «ماده ۲۲ تبصره ۱» و «ماده ۳۱ بند ۲» چنانچه اعضا سندیکا متقاضی برگزاری مجمع باشند لازم است که پشتوانه اساسنامه ای این تقاضا لیست امضا حقیقی برابر با «یک سوم اعضا» باشد. لذا برای تعیین و تایید این حد میزان تقاضا ضروری است که با همکاری هیات مدیره کنونی تعداد اعضای که طی ده سال گذشته یا سندیکا را ترک کرده اند و یا مستعفی تلقی می شوند از تعداد کل اعضا ثبت شده در آستانه مجمع عمومی اول در سال ۸۴ کسر شود تا تعداد قطعی یک سوم اعضای متقاضی تعیین و تایید گردد.

۴- از آنجا که طبق «تبصره ماده ۱۴» تاکید می شود «شرط شرکت اعضا در جلسات مجمع عمومی داشتن کارت عضویت سندیکا می باشد» لازم است که در هماهنگی با هیات مدیره کنونی برای اعضای که به هر دلیل کارت شان موجود نیست اقدام شود، چرا که در غیر اینصورت اعضا بدون کارت نمی توانند در مجمع شرکت نمایند.

۵- از آنجا که طبق «ماده ۶ بند ۲» تصریح شده عضویت عضو «در صورت عدم پرداخت حق عضویت با توجه به ماده ۱۸، به مدت حداکثر ۳ ماه متوالی بدون عذر موجه به حالت تعلیق در می آید» و مهمتر از آن گفته شده «عضو معلق حق رای ندارد»، و با

توجه به فاصله ای ده ساله از مجمع عمومی اول، ضروری است که در هماهنگی با هیات مدیره کنونی وضعیت حق عضویت های اعضا متقاضی برگزاری مجمع مورد بررسی قرار گیرند و اقدامات لازم در این رابطه پیش از مجمع انجام شود.

رعایت همه موارد ذکر شده در بالا برای برگزاری یک مجمع عمومی قانونمند و منطبق با اساسنامه ضروری اند و عدم رعایت هر یک از آنها از مصادیق آشکار نقض اساسنامه است. چرا که اگر نخواهیم به شیوه فعال مایشا «هیات برگزاری» که شیوه ای ضد سندیکایی و ضد کارگری است عمل کنیم، آنگاه لازم است متمدنانه و خیلی مسئولانه هر گام حرکت خود را بدقت منطبق با همان اساسنامه ای برداریم که روزی در مجمع اول به آن رای داده شده و در هر مجمع دیگری نیز قابل تغییر است. در تشکل کارگری ای که متعهد به حفظ استقلال از حاکمیت است و وفادار به دفاع از منافع کارگران هیچ چیز مخرب تر از حرکات فعال مایشا که از روش های ویرانگر طبقات حاکمه است نمی باشد. طبعا در حرکت متمدنانه و مسئولانه اعضا نیز اختلافات رخ خواهند داد. اما همه این اختلافات را نیز می توان و می باید ابتدا و پیش از هر چیز طبق «ماده ۲۴ بند ۲» اساسنامه به «کمیسیون حل اختلاف» سندیکا ارجاع داد و در صورت ناکارایی آن به اقدامات دیگر اندیشید. بهرحال این حق دمکراتیک در اساسنامه برای «بازرسان و یک سوم اعضا» همیشه محفوظ است که در صورت تخلف اساسنامه ای هیات مدیره خواستار برگزاری مجمع عمومی شوند. اما استفاده از این حق دمکراتیک خود لازم است که با رعایت دقیق کل اساسنامه انجام شود. در غیر اینصورت نقض غرض میشود. چرا که فرض بر اینست که هدف نه تخریب سندیکا که اصلاح و بهبودی آن است. ادمه دارد.

امیر پیام

۱۹ مهر ۱۳۹۷

۱۱ اکتبر ۲۰۱۸

amirpayam.wordpress.com

زیر نویس ها:

۱- گزارش سندیکای کارگران شرکت واحد از سفر هیات نمایندگی آن:

« به دعوت کلکتیو سندیکاهای کارگری فرانسه دو تن از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، در روز ۲۶ مه برای دیدارهایی با سندیکاهای کارگری فرانسه عازم پاریس شدند. با برنامه ریزی های صورت گرفته نمایندگان سندیکای کارگران شرکت واحد به همراه کنفدراسیون های کارگری فرانسه در سازمان جهانی کار حضور یافتند و دیدارهایی با مسئولین این سازمان انجام دادند. آقایان رضا شهابی کارگر مبارز و سرشناس سندیکای کارگران شرکت واحد که شش سال را در زندان گذرانده است و داود رضوی نمایندگان سندیکا در این نشست ها بودند.

نمایندگان سندیکا با آقای پرنارتیو عضو هیات مدیره (ILO) همچنین با خانم بیاته اندرس و آقای کاسترو که بعنوان نمایندگان این سازمان در ماه اردیبهشت به ایران سفر کرده بودند و وزارت کار مانع از دیدار آنها با نمایندگان سندیکای کارگران شرکت واحد و دیگر تشکلات کارگری مستقل شده بود؛ با محوریت شکایت های سال های گذشته سندیکا در مورد ممانعت دولت از تشکیل مجمع عمومی سندیکا و آزار و اذیت کارگران شرکت واحد و زندان و احکام قضایی و اخراج اعضای سندیکا همچنین در مورد آزادی

تشکیل تشکل های مستقل کارگری بدون دخالت دولت و کارفرما مطابق مقاله نامه ۸۷ و پیمان دسته جمعی مطابق مقاله نامه ۹۸ دیدار و گفتگو کردند.

آنان نشستی نیز با خانم سارا فینک و آقای مک اوراتا از کنفدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل و آقای ممدو و خانم مبل از کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های عمومی داشتند و از آنان درخواست کردند تا شکایت هایی که به نمایندگی از سندیکای کارگران شرکت واحد در سالیان گذشته در (ILO) کرده اند را جدی تر پیگیری کنند در این نشست در مورد ارتباط شفاف فی مابین نتایج خوبی به دست آمد. دستاورد دیگر این نشست تبدیل عضویت سندیکای کارگران شرکت واحد در کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های حمل و نقل از افتخاری به عضویت رسمی بود. و پس از این سندیکا می تواند در انتخابات هیات مدیره این کنفدراسیون کاندید و در رای گیری ها مشارکت کند. نمایندگان سندیکا در حاشیه اجلاس در جلسه مشترکی که با حضور هفت کنفدراسیون کارگری از کشورهای فرانسه، سوئد، ایتالیا و اسپانیا و کنفدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل و کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری در مورد موانع دولتی برای کارگران ایران در ایجاد سندیکاها و تشکلات مستقل کارگری برگزار شد؛ گفتگو کردند.

نمایندگان سندیکا به چهل و نهمین کنگره کنفدراسیون دموکراتیک کار فرانسه در شهر رن دعوت شدند. رضا شهابی در این کنگره سخنرانی کرد و از حمایت این اتحادیه از مبارزات کارگران ایران و تلاش آن برای آزادی خود تشکر کرده و آن را نمونه ای از همبستگی بین المللی کارگران دانست. این سخنرانی با حمایت پرشور نزدیک به دو هزار نماینده فرانسوی و خارجی حاضر در کنگره روبرو شد. در حاشیه این کنگره نمایندگان سندیکا با خانم شاران بارو دبیر کل آی تی یو سی (کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری) و نیز آقای پیتر سیوندنک، مشاور دپارتمان بین المللی سندیکای بزرگ "د.گ.ب" آلمان دیدار و تبادل نظر کردند. هر دوی این شخصیت ها، در ادامه گفتگوهای ژنو با دیگر مسئولین بخش کارگری سازمان جهانی کار، ضمن قدردانی از مبارزات سندیکای کارگران شرکت واحد بر لزوم حمایت فعالتر از آن تاکید داشتند. در طول این سفر نمایندگان سندیکا در شهر پاریس با مسئولین کنفدراسیون دموکراتیک کار فرانسه CFDT، کنفدراسیون عمومی کار فرانسه CGT، اتحاد سندیکایی همبستگی Solidaires، کنفدراسیون متحده سندیکایی FSU، اتحاد ملی سندیکاهای مستقل UNS و در شهر استکهلم با دبیر کل و دیگر مسئولین اتحادیه سراسری کارگران سوئد و برخی سندیکاهای عضو آن دیدار کردند. در شهر اسلو با مسئولین اتحادیه کارگران سراسری نروژ و برخی از سندیکاهای عضو دیدارهایی صورت گرفت در شهر فرانکفورت و هامبورگ با مسئولین سندیکای بزرگ "ا.گ.م" و "وردی" دیدار داشتند. موضوع اصلی در این دیدارها تعمیق همبستگی کارگری بوده و بر همبستگی ها با کارگران شرکت واحد و سایر کارگران ایران تاکید شده است.

همچنین نمایندگان سندیکا در مراسم شب همبستگی با کارگران ایران در پاریس که کلکتیو سندیکاهای کارگری فرانسه ترتیب داده بودند بعنوان سخنران شرکت کردند. در ادامه نمایندگان سندیکا در چهار جلسه دیدار عمومی با کارگران و فعالان کارگری که با هماهنگی سندیکاهای دعوت کننده در شهرهای فرانکفورت، هامبورگ، استکهلم و گوتنبرگ برگزار شده بود، سخنرانی کردند.

جهت آگاهی همکاران، کلیه هزینه های این سفر توسط سندیکاهای دعوت کننده پرداخت گردیده است.»

۲- متن نامه فوق چنین است:

« نامه سرگشاده کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

خطاب به :

کنفدراسیون سراسری کارگران فرانسه CGT

کنفدراسیون دموکراتیک سراسری کارگران CFDT

اتحادیه همبستگی فرانسه FSU

اتحادیه دموکراتیک همبستگی SUD

اتحادیه ملی سندیکاهای مستقل UNSA

در چند سال گذشته نهادهای شما در همبستگی با کارگران ایران فعالیت های ارزشمندی انجام داده است اما در رابطه با سندیکای کارگران شرکت واحد ما چند موضوع را اعلام می داریم ؛

متأسفانه در چند سال گذشته بدون هیچ ضابطه ای بر اساس روابط شما اقدام به دعوت از افرادی که گاه نه کارگر شرکت واحد می باشند و نه حتی برای فعالیت های سندیکایی در زندان بوده اند حرکت کرده اید این عمل خارج از حوزه فعالیت های حمایت های بین المللی و جبهه همبستگی با جنبش کارگری را از بین برده و می برد و ما ناچار هستیم از شما بخواهیم جوابگوی اعمال خود باشید .

آیا سندیکای کارگران شرکت واحد عضو نهاد های سندیکایی شما هست ؟ آیا شما با نهاد مادر ما یعنی ITF هماهنگ می کنید ؟ بر اساس کدام معیار این افراد را نمایندگان سندیکای شرکت واحد می دانید ؟ چرا اجازه می دهید افراد سیاسی ایرانی که نزدیک به چهار دهه ایران را ندیده اند و نمی دانند وضعیت جنبش کارگری ایران چگونه است سیاست شما را تعیین کنند ؟ آیا شما حاضر هستید کسی که در محیط کار ، کار نمی کند و حتی ربطی به نهاد های شما ندارد سخنگوی شما در سازمان جهانی کار باشد ؟

برابر ماده ۲-۵ اساسنامه سندیکای کارگران شرکت واحد شاغل بودن در محیط کار یکی از اصول عضویت در سندیکا می باشد همچنین برابر ماده ۱۶ اساسنامه مدت فعالیت سندیکا مدت ۲ سال معین و برابر ماده ۳۱ اساسنامه اگر ۶ ماه از زمان اعتبار اعضا بگذرد و مجمع عمومی برگزار نشود عملاً شرایط انحلال محقق شده است . حال از اشخاصی که در سال های گذشته بر خلاف اساسنامه و رای موثق اعضا با دعوت شما به تورهای سیاحتی آمده اند نکاتی را ذکر می کنیم ؛

آیا برای شما سوال پیش نیامده ۲ نفر از کسانی که در سال گذشته به خاطر منع قانونی که هیچ گزارشی مبنی بر مرتفع شدن این مشکل منتشر نشده از خارج شدن آنها جلوگیری به عمل آمد ، چگونه امسال توانسته اند بدون هیچ مشکلی از کشور خارج شوند ؟ لازم به ذکر است آقای رضوی که برای تور سیاحتی با هزینه های گزاف از کشور خارج شده اند در سال گذشته وقتی توسط دوستان نزدیکش برای شرکت در کنفرانس شما و خارج شدن از کشور منع شده بود ، با پرخاش و بی ادبی جواب می دهد که به شما ربطی ندارد و هر جا دلم بخواهد می روم همچنین این نکته حایز اهمیت است که نامبرده که به عنوان خزانه دار سندیکا فعالیت می کرد به دلیل برخی مسایل مالی با رای اکثریت اعضا از این سمت عزل می شود و یکی دیگر از اعضای هیئت مدیره به عنوان خزانه دار معرفی می شود و در رابطه با آقای رضا شهابی برابر استنادات منتشر شده در اخبار رسمی دستگیری و زندان نامبرده به هیچ عنوان در راستای فعالیت کارگری نبوده و نفر سوم که سال گذشته از کشور خارج شد با نام حسن سعیدی به خاطر پرداخت رشوه در ادارات کار و دریافت مبالغ سنگین از کارگران برای پیگیری امور کارگران اخراجی در سال های گذشته از کار اخراج و هم اکنون راننده تاکسی شخصی می باشد و به هیچ عنوان در زمان اعتراضات کارگری در سال های ابتدایی احیای سندیکا هیچگونه ارتباطی با سندیکای شرکت واحد نداشته و پس از اخراج برای بازگشت به کار خود را به هر دری می زند .

شما چرا به جای تفرقه در میان کارگران شرکت واحد نمی خواهید تا با حمایت از ITF کمک کنید حق تشکل در ایران به رسمیت شناخته شود و بجای انتخاب و اعزام اشخاص مجهول الهویه که در حال حاضر هیچ ربطی به سندیکا ندارند کمک کنید تا نمایندگان خودم و واقعی کارگران با انتخاب خود کارگران در جلسات و کنفرانس های جهانی برای ارایه موارد و راهکارهای ایجاد تشکل مستقل سخنرانی کنند .

همانطور که مطلعید در سال ۱۳۸۴ سندیکا به عضویت ITF در آمد و در سال های بعد با انتخاب اعضای هیئت مدیره یک نفر به خارج اعزام شد و تمامی خواسته های قانونی سندیکا را در مجمع مدیران کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری مطرح کرد در تمامی این مدت و شرکت نماینده در سازمان های کارگری همه اعضا از موضوع جلسات آگاهی داشتند و ایشان نیز با همراهی و همفکری ITF در جهت حمایت از کارگران شرکت واحد عمل می کرد اما در رابطه با سال های گذشته نه سندیکا می دانست و نه تصمیم ضروری برای حضور در هیچ یک از اجلاس وجود داشت .

شرایط کار کارگری در ایران هزینه بسیار بالایی دارد و ما نمی توانیم بازپچه زد و بند دولت شما با دولت ایران برای انعقاد قراردادهای اقتصادی باشیم .

سندیکا باید مستقل باشد و ما اعلام می کنیم تا برکزاری مجمع عمومی سندیکا هیچ کس نمی تواند به عنوان نماینده این تشکل خود را معرفی کند.

در همبستگی با شما

شورای سندیکای مستقل کارگران شرکت واحد

«۹۷/۳/۹»

۳- این اطلاعیه در تاریخ ۱۶ جولای اولین پست «هیات برگزاری» در کانال تلگرامی <https://t.me/syndicavahed1> بود:

«با درود های دوستانه

هیئت برگزاری مجمع عمومی سندیکای کارگران شرکت واحد در راستای شکستن کاسه تکدی گری گروهی کارگر نما و برای بستن دکان گروهی متقلب فعالیت صادقانه خود را در راه دفاع از حقوق کارگران آغاز می کند
مستحکم باد اتحاد جنبش کارگری»

۴- اطلاعیه هیات مدیره سندیکا برای برگزاری مجمع عمومی:

« اطلاعیه مجمع عمومی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

کارگران زحمتکش و آگاه شرکت واحد، اقدامات لازم برای برگزاری مجمع عمومی سندیکا در حال انجام است و اطلاعیه های قانونی و لازم در این خصوص از طریق کانال تلگرام و وب سایت سندیکا به آگاهی شما زحمتکشان خواهد رسید.

با توجه به درخواست برگزاری مجمع عمومی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه که بشماره ۴۱۱۱۷ مورخ ۹۴/۰۳/۰۹ در وزارت کار ثبت گردیده است و متعاقب آن پیگیری های حضوری فراوان صورت گرفته، موضوع برگزاری

مجمع عمومی در نشست سندیکا مطرح و مقرر شد به رغم عدم همکاری وزارت کار بر اساس مقاوله نامه ۸۷ در ایجاد هماهنگی های لازم برای برگزاری مجمع عمومی، سندیکا کلیه اقدامات مقتضی برای برگزاری مجمع عمومی را انجام و مجمع عمومی را برگزار کند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۹ مرداد ۹۷»

۵- اطلاعیه سندیکا در باره پروژه سندیکا سازی دولتی در شرکت واحد:

« پروژه سندیکا سازی دولتی در تقابل با سندیکای کارگران شرکت واحد را محکوم می کنیم!

کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، تشکلات مستقل کارگری و صنفی، فعالین و نهادهای کارگری:

به اطلاع می رسانیم که نهادهای دولتی-امنیتی، وزارت کار و مدیریت شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در هفته های اخیر اقداماتی را برای بوجود آوردن سندیکایی دولتی، تقلبی و صوری در برابر سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، با هدف پیشبرد سرکوب تشکلات مستقل کارگری آغاز کرده اند. آنها در این پروژه سندیکا سازی دولتی، از همکاری دو نفر عامل دست نشانده ی خود به نام سعید ترابیان و حسن میرزایی استفاده می کنند؛ افرادی که سالهاست در سندیکای کارگران شرکت واحد هیچ همکاری و مسئولیتی ندارند و برعکس در خدمت کارفرما، حراست شرکت واحد و شورای اسلامی ضدکارگران هستند و بر ضد سندیکا از هیچ گونه تخریبی فروگذار نکرده و به علاوه با کمک به دستگاه های امنیتی موجب پرونده سازی از سوی نهاد های امنیتی علیه فعالان سندیکایی شده اند.

مبارزات و فداکاری های کارگران شرکت واحد از سال ۱۳۸۳ تا کنون و تحمل کارگران پیشرو در مقابل رنج های مادی و معنوی بسیار منجمله در برابر احضار، حبس، تهدید، اخراج و آزار و پافشاری شان برای حفظ سندیکای مستقل خود و دفاع از حقوق کارگران، از یک طرف موجب فشار نهادهای بین المللی کارگری بر دولت ایران برای به رسمیت شناختن سندیکاهای کارگری شده است. از طرفی دیگر، وزارت کار و نهادهای امنیتی-قضایی که فشار بر کارگران برای انحلال سندیکا را بی فایده دیده اند و دقیقاً در زمانی که سندیکای کارگران شرکت واحد دست اندرکار برگزاری مجمع عمومی خود است، در هفته های اخیر با دستور کار قرار دادن برگزاری یک مجمع عمومی دولتی، دست ساز و تقلبی، قصد به حاشیه راندن و تخریب و ایجاد بهانه برای سرکوب بیشتر و تحت الشعاع قرار دادن سندیکای مستقل کارگران و همچنین فریب نهادهای بین المللی را دارند تا همزمان نیز بتواند به نهادهای بین المللی بقبولانند که تشکیل سندیکا یا هر نهاد مستقل کارگری دیگر در ایران آزاد است!

در این پروژه ی دولتی و امنیتی، وزارت کار، نهادهای امنیتی و مدیریت شرکت واحد با تطمیع و حمایت کامل پلیسی-قضایی-امنیتی برای دو تن از اعضای سابق سندیکا، توسط این دو فرد دست نشانده ی خود اعلام کرده اند که در حال تدارک برای برگزاری مجمع عمومی با نام سندیکای کارگران شرکت واحد هستند. این افراد همچنین اقدام به سو استفاده و جعل آرم و نام سندیکا و ایجاد یک کانال تلگرامی کرده اند (لینک تصویر کانال جعلی t.me/vahedsyndica/2280) این افراد قصد دارند تا با طراحی، فرماندهی و حمایت نهادهای دولتی-امنیتی در این مجمع عمومی کذایی افرادی دست نشانده را بعنوان هیات مدیره در سندیکایی قلبی معرفی کنند تا سندیکای مستقل کارگران شرکت واحد تحت الشعاع قرار گرفته و به جنبش مستقل کارگری در ایران

ضربه وارد کنند و سپس رسماً و این بار با نام "سندیکا" وارد همکاری، ائتلاف و ادغام عملی و ماهوی با شوراهای اسلامی گردند. بدین ترتیب و با فرض موفقیت این عوامل دست نشانده در ایجاد یک سندیکای دولتی و زرد، افرادی دست نشانده، زیر عنوان و با نام سندیکا اقدام به حمایت از کارفرما و دولت خواهند کرد و دولت ایران نیز به هدف خود که همزمان سرکوب مطالبات گسترده کارگران و سرکوب تشکل یابی مستقل کارگری است و نیز تزیین دکوراسیون " آزادی فعالیت سندیکایی" خود در میان مجامع جهانی است، می رسد.

سندیکا بطور جداگانه و مستند این افراد دست نشانده ی دولت و کارفرما و دیگر افراد و جریاناتی که پشت آنها صف کشیده اند را افشا خواهد کرد. اما مشکل ما و جنبش کارگری الزامات تعدادی افراد خاص نیست و لازم به تاکید است که این اقدامات، بخشی از یک سیاست کلی حاکمیت است که از بدو وجود تمام تلاشش برای سرکوب و کنترل سندیکاها و تشکلات مستقل کارگری و کلیت جنبش کارگری بوده است و تا امروز از هر ترفندی با تمام امکانات برای این امر استفاده کرده است. امروز وقتی دولت می بیند که اکثر ترفندهایش برای از میدان به در کردن سندیکای کارگران شرکت واحد بی ثمر بوده است، و حال که نمی تواند با زور، زندان و اخراج و... سندیکای کارگران شرکت واحد و فعالین آنرا به زانو دریاورد و می بیند که سندیکای مستقل از کارفرما و دولت، در حال الگو شدن برای دیگر کارگران بی شمار ایران می شود، به حقه کثیف همیشگی رو می آورد و آن تلاش برای تضعیف نهادهای مستقل کارگری، از طریق عوامل مزدور، دست نشانده و خودفروخته می باشد. بنابراین باید توجه داشت که ما با یک سیاست مدون، منسجم و تاریخی توسط نظام سرمایه داری و دولت آن مواجه هستیم. ما میدانیم که با اوج گیری مبارزات جنبش کارگری در دوره اخیر، دولت ایران نه تنها در شرکت واحد بلکه با همکاری خانه کارگر، شوراهای اسلامی کار و دیگر نهادهای دست ساز و حمایت عوامل قضایی-امنیتی و با کمک افرادی خودفروخته و ضد کارگر، در حال طراحی برای ایجاد اتحادیه ها، انجمن های صنفی و اینک سندیکاهایی وابسته به خود در نقاط دیگر نیز هست و در این مورد به تمام کارگران و همکاران خود آگاهی و بیدارباش می دهیم.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه توطئه های گوناگون وزارت کار و نهادهای امنیتی برای جلوگیری از فعالیت های تشکلات مستقل کارگری و سندیکای کارگران شرکت واحد و منجمله اقدام به برگزاری مجمع عمومی دست ساخته ی خود از طریق افراد وابسته و اقدام برای سندیکا سازی دولتی را محکوم می کند. ما از کارگران و کلیه تشکلات و نهادهای مستقل کارگری می خواهیم که همچون گذشته، ضمن اینکه با همان شادابی و قدرت، حامی تشکلات خود هستند، با هوشیاری همیشگی، توطئه دولت، نیروهای امنیتی و مدیریت شرکت واحد علیه سندیکای مبارز کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران را قویاً محکوم کنند. از کارگران شرکت واحد می خواهیم ضمن افشای کانال یا مطالبی که این عوامل وابسته به دولت منتشر می کنند کماکان اخبار یا مطالب را از طریق تنها کانال رسمی سندیکای کارگران واحد و وبسایت آن (آدرس های درج شده در ذیل این اطلاعیه) دنبال کنند. بدیهی است که سندیکای کارگران شرکت واحد با قدرت و بیداری همیشگی، همزمان با اینکه دست اندرکار برگزاری مجمع عمومی خود است، همچنین از این اقدامات ضد کارگری عبور خواهد کرد و با توان بیشتر در راه کسب مطالبات کارگران شرکت واحد و جنبش مستقل کارگری ایران کوشا خواهد بود.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۲۸ مرداد ماه ۱۳۹۷»

۶- برای مشاهده تصاویر حضور سعید ترابی و حسن میرزایی در جلسات شورای اسلامی کار و تکست های ضد سندیکایی به کانال شورای اسلامی کار در <https://t.me/shoravevahed> و پست های اکتبر ۲۰۱۷ رجوع شود.

۷- متن این سوالات در زیر ملاحظه می شود:

« [Forwarded from سعید ترابی]

خطاب به اعضای تلگرام جنبش کارگری و بخصوص اقایان مصطفی شوکت ، محمود صالحی و علیرضا ثقفی و یا هر کسی که به آینده جنبش کارگری اعتقاد دارد.

درود بر شما

اینجانب بعنوان یکی از کاندیداهای سندیکای کارگران شرکت واحد در انتخابات پیش رو از شما عزیزان چند پرسش دارم که امیدوارم به عنوان پیشکسوتان فعالیت های کارگری با توضیحات خود من و تعدادی از دوستان را که با تفرقه اندازی گروهی کارگر نما بر سر دو راهی قرار داده اند آگاه نمایید !

اول اینکه نظرات خود را در رابطه با مجمع عمومی سندیکا اعلام فرمایید ؟

دوم آیا اعضای هیئت مدیره که بازنشسته شده اند و هر روز از گوشه ای سر در می آورند می توانند کماکان فعالیت کنند و برای گروهی عظیم از شاغلان تصمیم گیری کنند ؟

سوم آیا کسانی که به دلایلی خارج از فعالیت سندیکایی اخراج شده اند و خواهان بازگشت به کار هم نیستند ولی عضویت در هیئت مدیره را مادام العمر می دانند حق نمایندگی کارگران را دارند ؟

گروهی از این افراد که با جعل عنوان سندیکا و برای به بیراهه کشاندن مجمع عمومی به دروغ در داخل کشور و با حمایت اسپانسرهای خارجیشان شایعه راه انداخته اند که این مجمع عمومی با حمایت نیروهای امنیتی و شورای اسلامی کار یا خانه کارگر برنامه ریزی شده است .

تقاضا دارم برای روشن شدن کارگران و دلسوزان جامعه کارگری توضیحات خود را بنا بر استنادات تاریخی و تجربی بیان کنید تا در راهی که پیش رو داریم مصمم تر گام برداریم !!!!

با تشکر

شهرام

کارگر شاغل

کandidای عضویت در هیئت مدیره»

۸- متن پاسخ های رفیق محمود صالحی:

«جواب به چند سؤال شهرام.

شهرام کارگر شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه است که چند سؤال را رو به ما (مصطفی شوکت، علی ثقفی و من محمود صالحی) طرح کرده است. با توجه به اهمیت موضوع جواب خود را انتشار علنی می‌دهم جهت اطلاع کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه. متن سؤالها به شرح زیر است.

خطاب به اعضای تلگرام جنبش کارگری و بخصوص آقایان مصطفی شوکت، محمود صالحی و علیرضا ثقفی و یا هر کسی که به آینده جنبش کارگری اعتقاد دارد.

دروود بر شما

اینجانب بعنوان یکی از کاندیداهای سندیکای کارگران شرکت واحد در انتخابات پیش رو از شما عزیزان چند پرسش دارم که امیدوارم به عنوان پیشگوسوتان فعالیت های کارگری با توضیحات خود من و تعدادی از دوستان را که با تفرقه اندازی گروهی کارگر نما بر سر دو راهی قرار داده اند آگاه نمایید!

سؤال اول: اینکه نظرات خود را در رابطه با مجمع عمومی سندیکا اعلام فرمایید؟

جواب: مجمع عمومی بالاترین رکن یک تشکل است و اگر مجمع عمومی در زمان معین و تعیین شده برگزار نشود. یعنی تشکلی وجود ندارد. طبق ماده ۳۱ بند ۲ اساسنامه شرکت واحد تهران و حومه (در صورت گذشت ۶ ماه از پایان مدت اعتبار هیئت مدیره و عدم تجدید انتخابات آن از سوی هیئت مدیره و بازرسان و یک سوم اعضاء با حضور و ارائه امضاء حق دارند برای دعوت به مجمع عمومی جهت تجدید انتخابات با رعایت مهلت های مقرر در اساسنامه برای دعوت و تشکیل مجمع عمومی طبق اساسنامه اقدام کنند.) در غیر اینصورت تشکل منحل است.

سؤال دوم: آیا اعضای هیئت مدیره که بازنشسته شده اند و هر روز از گوشه ای سر در می آورند می توانند کماکان فعالیت کنند و برای گروهی عظیم از شاغلان تصمیم گیری کنند؟

جواب: به استناد ماده ۵ بند ۳ اساسنامه شرکت واحد شرایط عضویت به این شکل تعریف شده (شاغل بودن در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با ارائه کارت شناسایی و آخرین فیش حقوقی و یا تنها فیش حقوقی برای کسانی که هنوز کارت شناسایی دریافت نکرده اند.) الزامی است یعنی کسی که خود در صنف مورد نظر شاغل نباشد. نمی تواند کاندیداتوری آن صنف شود.

تبصره ۱ همان ماده: چنانچه هر یک از اعضاء شرایط فوق را از دست دهد، مستعفی شناخته خواهد شد و لیکن ملزم به انجام تعهدات قبلی خود است.

سؤال سوم: آیا کسانی که به دلایلی خارج از فعالیت سندیکایی اخراج شده اند و خواهان بازگشت به کار هم نیستند ولی عضویت در هیئت مدیره را مادام العمر می‌دانند حق نمایندگی کارگران را دارند؟

جواب: جواب به این سؤال یک طرفه است و من آماده نیستم که به این سؤال جواب دهم. چرا؟ به دلیل اینکه من نمی‌توانم صحت و سقم این سؤال شما را تایید کنم. اما عضویت در هیئت مدیره مادام العمر نیست و هر نماینده ای باید مشروعیت خود را از آخرین مجمع عمومی به دست آورد.

سؤال چهارم : گروهی از این افراد که با جعل عنوان سندیکا و برای به بیراهه کشاندن مجمع عمومی به دروغ در داخل کشور و با حمایت اسپانسرهای خارجیشان شایعه راه انداخته اند که این مجمع عمومی با حمایت نیروهای امنیتی و شورای اسلامی کار یا خانه کارگر برنامه ریزی شده است .

جواب: به نظر من ، شخص و یا فردی که این شایعه را پخش کرده اند ، باید به این سؤال نیز جواب دهند، که هدف از این شایعه چیست؟ یعنی این شایعات برای شخص من خیلی مهم نیست.

در پایان تقاضا دارم برای روشن شدن کارگران و دلسوزان جامعه کارگری توضیحات خود را بنا بر استنادات تاریخی و تجربی بیان کنید تا در راهی که پیش رو داریم مصمم تر گام برداریم !!!!

با تشکر شهram کارگر شاغل در شرکت واحد. کاندیدای عضویت در هیئت مدیره.

شهram عزیز: با توجه به اساسنامه خود شرکت واحد تهران و حومه به سؤال های شما جواب دادم. این اساسنامه در اولین مجمع عمومی شرکت واحد مصوب شده و اعضای هیئت مدیره و بازرسان ملزم هستند تا آن را رعایت و اجرا کنند. مگر اینکه آن اساسنامه که در اولین مجمع عمومی مصوب شده در مجمع عمومی دیگری تغییر کرده باشد.

در ضمن دولت موظف است امنیت کامل مجمع عمومی هر تشکلی را تامین کنند. درخواست از مسئولان امنیتی و یا اداره کار محل برای تامین امنیت مجمع عمومی کارگران هر صنف جرم نیست. مسئولان امنیتی و اداره کار از دسترنج ما حقوق دریافت می کنند و اگر ما کار نکنیم دستمزد آنان از کجا تامین خواهد شد؟ (از جیب شخصی مسئولان) پس ما حق داریم که قاطعانه از آنان بخواهیم تا امنیت ما را تامین کنند. ما کارگران نه دزد هستیم و نه حقوق های نجومی دریافت کرده ایم که مخفیانه در گوشه ای خود را مخفی کنیم و مخفیانه مجمع عمومی برگزار کنیم. بخصوص شرکت واحد که یک تشکل صنفی است. کسانی که اتهام می زنند باید به کم انصاف داشته باشند. جهت اطلاع کارگران و اشخاصی که خود را کاندیدا کرده اند. به عرض می رسانم که هیئت اجرایی ما (کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل کارگری) که جمعی از کارگران پیشرو در آن متشکل هستند، در سنوات گذشته و در آخرین مجمع عمومی خود در کرج رسماً از وزارت کار درخواست مجوز جهت برگزاری مجمع عمومی نمود. هر چند به درخواست ما جواب منفی دادند. درخواست اعضای هیئت اجرایی آن زمان از وزارت کار مورد تأیید همه ما اعضای کمیته هماهنگی نیز بود. موفق باشد.

محمود صالحی ۹۷/۷/۱۲»
